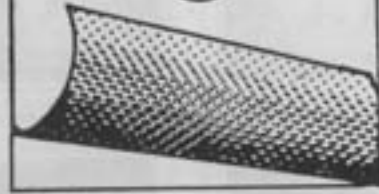


## یاران امامان

۹



# علی بن

# یقطین

سخنان والای امامان و علمای اصحاب حدیث بسیار است و روایتهای صحیح در فضیلت و منقبت او فزون بر حد است. مرحوم شیخ طوسی (ره) در باره اش می فرماید:

«علی بن یقطین که خدایش رحمت کند مردی جلیل القدر، ثقه و دارای شخصیتی والا است. او نزد امام موسی کاظم علیه السلام مقام ارجمندی داشت و در بین طایفه (شیعیان) دارای مکانت و منزلتی عظیم است... علی بن یقطین در سال ۱۲۴ در کوفه بدنیا آمد و مادرش او و برادرش عبید بن یقطین را از ترس مروان به مدینه آورد... علی بن یقطین در بغداد در سال ۱۸۲ از دنیا رفت و در آن وقت عمرش

«من بهشت را برای علی بن یقطین تضمین می کنم و اینکه هرگز آتش به بدن او نرسد».

این ضمانت را امام کاظم سلام الله علیه به یکی از مخلص ترین و با وفاترین یاران خود داده است که هرگز آتش جهنم مس نمی کند بدن این مرد بزرگ را که در راه خدا، خدمت کرده و همانا بهشت برین، جایگاه جاودانه او است.

این ضمانت دلیلی است روشن بر خشنودی و رضایت کامل امام معصوم «ع» از یکی از اصحاب صدیق خود و بهترین مدال افتخار است برای آن رادمردی که تمام عمرش را با مجاهدت در خدمت به آرمان مقدس امام و پیشوای برحقش گذراند، در حالی که به صورت ظاهر در دستگاه حاکمه به وزارت اشتغال داشت.

امام هفتم سلام الله علیه در حالی این ضمانت را بر زبان مبارک جاری می کند که دست خود را نیز بر سینه می گذارد تا اینکه با دست و زبان تأکید بر این ضمانت نماید و به راوی بضمماند که از هر جهت از علی بن یقطین راضی است و رضایت او رضایت خدا است و هرکس رضایت خدا را کسب کند، بهشت برای او تضمین شده است. «ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات کانت لهم جنات الفردوس نزلاً». آنانکه ایمان آوردند و اعمال شایسته داشتند، باغهای بهشت پیشکش و تقدیمشان می شود. (سوره کهف- ۱۰۷).

### علی بن یقطین کیست؟

علی بن یقطین یکی از بارزترین اصحاب امامان است که در ستایش او

پنجاه و هفت سال بود...

علی بن یقطین دارای کتابهای زیادی است از جمله کتاب ملاحم که سوالهایی در این باره است از امام صادق علیه السلام و کتاب «مناظرة الشاک» و مسائل امام کاظم علیه السلام

شیخ مفید او را از خواص و افراد مورد اطمینان امام هفتم «ع» شمرده و او را اهل ورع و پارسائی و علم دانسته و از فقهای اصحاب امام کاظم می داند و اضافه می کند که علی بن یقطین از امام هفتم روایتی دال بر امامت فرزند بزرگوارش امام رضا «ع» نقل کرده است.

### علی بن یقطین از زبان امامان

عبدالرحمن بن حجاج گوید: یکی از سالها که پولهای زیادی برای امام هفتم «ع» با خود حمل می کردم، علی بن یقطین نامه ای به من داد که به حضرت برسانم و در آن نامه از امام درخواست کرده بود، برایش دعا کند. ابن حجاج گوید: وقتی کارهایم را تمام کردم، به خدمت امام رسیدم و پولها را تقدیم حضرت کردم آنگاه عرض کردم: فدایت شوم! علی بن یقطین از شما درخواست کرده است که برایش دعا کنید.

حضرت فرمود: برای امر آخرت؟ عرض کردم: آری!

آنگاه حضرت دست مبارک را بر سینه خود گذارد و فرمود: «ضمنت لعلی بن یقطین الا تمته النار ابدأ». تضمین کردم برای علی بن یقطین که هرگز آتش جهنم با او تماس حاصل نکند.

یعقوب بن یقطین گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام می فرمود:

«اما ان علی بن یقطین مضی وصاحبه عنه راض- یعنی ابوالحسن علیه السلام» - همانا

علی بن یقظین از دنیا رفت در حالی که دوستش (امامش) از او راضی بود، یعنی امام کاظم علیه السلام.

عبدالله بن یحیی کاهلی گوید: نزد امام ابو ابراهیم (امام کاظم) علیه السلام نشسته بودم که ناگهان علی بن یقظین وارد شد. پس حضرت رو به اصحابش کرد و فرمود:

«من سرّه آن پیری رجلاً من اصحاب رسول الله صلی الله علیه وآله فلینظر الی هذا المُقبل» هر که میل دارد یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله را ببیند، پس به این شخصی که وارد می شود نگاه کند.

یکی از حاضرین عرض کرد: پس او از اهل بهشت است؟

حضرت پاسخ فرمود: «اَما انا فأشهد انه من اهل الجنة» - اما من شهادت می دهم که او اهل بهشت است.

### در قلب امام

امام کاظم علیه السلام بقدری علاقه و محبت نسبت به این یار باوفایش اظهار می داشت که راوی نقل می کند: روز عید قربان - در منی - به خدمت حضرت رسیدم، حضرت ابتداءً فرمود:

«ما عرض فی قلبی احدٌ وانا علی الموقف إلا علی بن یقظین فإِنَّهُ ما زال معی و ما فارقتنی حتی أفضت» هنگامی که در موقف بودم هیچ کسی به دلم خطور نکرد (و بیادم نیامد) جز علی بن یقظین که در تمام وقت تا آنگاه که مراسم حج را به پایان آوردم (گویا) با من بود و هرگز از من جدا نشد.

در روایت دیگری یونس بن عبدالرحمن نقل می کند که امام هفتم علیه السلام فرمود:.

«من سعادة علی بن یقظین انی ذکرته فی الموقف» - از سعادت و خوشبختی علی بن یقظین است که من او را در موقف یاد کردم.

این مرد والا دارای چنان مقام عظیم و ارجمندی است که حضرت کاظم علیه السلام در مواقف مقدسه حج او را همواره یاد می کند تا آنجا که می فرماید: اصلاً هرگز از من جدا نبود. و بالاتر اینکه حضرت بقدری اظهار علاقه و رضایت نسبت به او می نماید که می فرماید: جز او به یاد هیچ شخص دیگری نبودم.

این مرد بزرگ با آن همه علاقه و ارادت که نسبت به امام و رهبرش داشت و مایل بود همواره در خدمتش باشد و از محضر پرفیض استفاده ببرد، سخت ناراحت و نگران بود که مجبور است در دستگاه ظالم و جائز خلفای غاصب به شغل خود ادامه دهد تا اینکه از این راه به اسلام و مسلمین و اهداف مقدس رهبر برحقش خدمت خالصانه و صادقانه کند. راوی نقل می کند، هنگامی که امام موسی بن جعفر علیه السلام وارد عراق شده بود، علی بن یقظین به خدمت حضرت رسید و عرض داشت: می بینی در چه حالی هستم؟

حضرت در پاسخ فرمود:  
«یا علی! ان الله تعالی اولیاء مع اولیاء الظلمة لیدفع بهم عن اولیائه و أنت منهم یا علی».

ای علی! خدای تبارک و تعالی را اولیا و یارانی هست که - به صورت ظاهر - با زمامداران ستمگر هستند تا اینکه از اولیا و یاران خدا، ظلم و جور آنان را دفع و رد نمایند و تو ای علی از آن اولیای خدا هستی.

حسین بن عبدالرحیم گوید: امام ابوالحسن، موسی بن جعفر علیه السلام به علی بن یقظین فرمود: یک خصلت را برای من تضمین کن من سه خصلت را برای تو تضمین می نمایم.

علی عرض کرد: آن سه خصلتی که

شما برای من تضمین می کنید چیست و آن خصلتی که من برای شما تضمین باید بکنم چه می باشد؟

حضرت فرمود: اما آن سه چیز که من برای تو تضمین می کنم این است که هرگز شدت آهن ترا از پای در نیآورد (سلاح آهنین بر تو تأثیر نخواهد داشت) و هرگز فقر به تو نرسد و هرگز زیر سقف زندان نخواهی بود.

علی عرض کرد: پس بفرمائید من چه تضمینی باید برای شما بدهم؟

حضرت فرمود: «واما الخصلة التي تضمن لي ان لا یأتیک ولیّ ابدأ الا اکرمته».

و اما آن خصلتی که تو باید برای من تضمین کنی این است که هیچ یک از یاران خداوند نزد تو نیاید مگر اینکه او را اکرام و پذیرائی نمائی.

داستانهای زیادی در کتب تاریخ ذکر کرده اند که دشمنان همواره سعی داشتند، از علی بن یقظین نزد خلفای غاصب سعایت کرده و او را از شیعیان و خواص امام قلمداد کنند تا مورد غضب دستگاه قرار گرفته و او را طرد یا اعدام نمایند، ولی در هر فرصت امام به یاری او می شتافت و او را از توطئه توطئه گران آگاه می ساخت و از شر دشمنان نجات می داد.

نام علی بن یقظین در ۱۸۷ روایت آمده که یا مستقیماً از امام روایت کرده و یا از دیگران نقل می کند و یا اینکه اصحاب از او نقل می کنند.

در هر صورت این شخصیت والا پس از آن همه خدماتهای بی شائبه و خالصانه به مکتب مقدس خویش، در سال ۱۸۰ یا ۱۸۲ هجری قمری در بغداد از دوردنیا رفت و به جایگاه جاودانه اش که امامش برای او تضمین کرده بود رسید. درود و سلام بی پایان بر او باد.